رسوم

ترنابازی در ۳۰۰ قهوه‌خانه طهران

در روزگاری که خبری از مطالعات عمیق روان‌شناسی و رشد فارج‌گونه ابزار از تباط جمعی نبود، ترنابازی یا نبت گره‌گشایی از کار خلق خدا و به‌عنوان یک سرگرمی جذاب در قهوه‌خانه‌ها متولد شد؛ نمایشی که در پایان یک پیام اخلاقی را برای مخاطب داشت و باعث حل بسیاری از مشکلات می‌شد. زنگ می‌شد، شروع کار بود. مرشد گاهی در نقش گردانده یا کارگزار یا همان سلاه و احوالپرسی معمول با مردم حاضر در اجرای نمایش سر صحبت را باز می‌کرد و به همین سادگی مردم وارد صحنه نمایش می‌شدند.

تفریح با چاشنی خبررسانی

به گفته (رشید صالح‌پور، ترنابازی یکی از قدیمی‌ترین آیین‌های نمایشی مردم به‌ویژه تهرانی‌هاست که هر شب این مراسم در ۳۰۰ قهوه‌خانه اجرا می‌شد. این استاد و پژوهشگر نمایش‌های آیینی، به روزگاری که هنوز تهران به اندازه امروز عریض و طویل نشده بود و تعداد محله‌های پایتخت کمتر از انگشتان کف دست بود، بازمی‌گردد و از قهوه‌خانه «فاتح‌علی‌جان»، «حسن نارونه» در میدان شاه، «شاعلام» در بازار امین‌السلطان و «مرضی‌یحیی» در دروازه غار یاد می‌کند که پاتوق ترنابازان بوده است.

شیوه بازی

اما ترنا بازی چگونه انجام می‌شود. داریوش شهبازی می‌گوید: «بازیکنان حلقه‌وار در قهوه‌خانه می‌نشستند، چنان که فضایی در میان آنها باز باشد. ریش‌سفیدان، بزرگان و سادات در صدر جایگاه بازی می‌نشستند. کار پردار بازی، یعنی قاپ و ترناگردان و تلوان‌گیر، با طلب صلوات از حاضران، قاپ را به یکی از پیشکسوتان یا ریش‌سفیدان یا سادات حاضر در میان جمع می‌دهد تا ببندارد. پس از او دیگران یکی پس از دیگری قاپ می‌اندازند. قاپ هر کس با نقش شاه بنشیند، شاه بازی می‌شود و فرمان با حکم بازی یا اوست. پس از گزینش شاه، هر کس قایش وزیر بنشیند، منصب وزارت را برعهده می‌گیرد.

اگر در نخستین دور قاپ‌انداختن، قاپ چند تن شاه یا وزیر بنشیند، منصب، بادشاهی را به بزرگ‌ترین و محترم‌ترین بازیکنی که قایش شاه نشسته، یا به کسی که اولاد پیغمبر و سید است می‌سپارند. شاه بر گزیده یکی را از میان بازیکنانی که قایش وزیر نشسته، به وزیری انتخاب می‌کند. پس از آن، کسی که قایش دزد بنشیند، وزیر او را به شاه معرفی و پس از میان مطالبی نمادین درباره نوع دزدی او، حکم مجازات او را از شاه می‌خواهد.»

سرگرمی مردم، شنیدن اشعار حماسی

علی بلوکباشی، در کتاب «قهوه‌خانه و قهوه‌خانه‌نشینی» با تشریح بازی ترنا می‌نویسد: «در قهوه‌خانه‌ها معمولا نقال، داستان‌های شاهنامه را می‌گفت و از زمان به‌دلیل نبود وسایل تفریحی، شنیدن اشعار حماسی، سرگرمی مردم محسوب می‌شد. اما گاهی پیش می‌آمد جوانانی که اهل ذوق بودند غزل خوانی کرده یا مرگ‌نامی گرفتند. در ماه رمضان پس از نماز در قهوه‌خانه‌هایی که پاتوق پهلوانان، ورزشکاران و زورخانه گرایان متدین و خوشنام بود، بزرگان و ریش‌سفیدان محله‌ها نیز شرکت می‌کردند، بازی ترنا فضایی روحانی و معنوی پدید می‌آورد و بازی حالتی عارفانه می‌یافت. در این مجامع، بازی غالبا با فرستادن صلوات و غزل خوانی و مرثیه‌خوانی و پخش شیرینی و چای همراه بود. اگر در این جمع بازیکنان اطلاع می‌یافتند که کسی از طریق پهلوانی و مردانگی و لوطی‌گری خارج شده و احیانا خطایی در محله کرده است، خطای او از چشم بزرگان مجلس پوشیده نمی‌ماند و اگر قایش دزد می‌نشست، شاه دستور به تنبیه و شلاق زدنش می‌داد.»

غزل‌خوان‌ها در کود

جنبه معنوی ترنابازی بیشتر از جنبه بازی و سرگرمی‌اش بود و رسمی بود که تا همین چندوقت پیش در تهران رواج داشت. سیدابوالفضل کاظمی از اهالی محله مولوی می‌گوید: «بنده حدود ۵۰ سال شاهد ترنابازی در تهران بودم که اغلب در قهوه‌خانه‌های نبش‌لوغ مولوی هستند؛ خرابات احمد مورچه، قهوه‌خانه شمعون‌خان و... برگزار می‌شد. در این بازی یک نفر کارگزار است و از هر محله چند نفر آدم وجوه می‌آمدند. هر گروه هم یک بزرگ‌تر داشت، یک نفر پول جرخ کس و یک نفر هم غزل‌خوان داشت که نوبتی وارد گود می‌شدند. در شروع بازی به یک پیشکسوت «پیش» می‌دادند یعنی بیا و میدان‌داری کن. بعد قاپ می‌انداختند. اگر شاه می‌آمد آنکه شاه آورده بود می‌شد میدان‌دار و همه به یاد شاه کربلا صلوات می‌فرستادند. بعد شاه، یک وزیر انتخاب می‌کرد و وزیر جولان می‌داد و با شانی که به آن ترنامی گفتند به دستور شاه با آن می‌زد. جنبه آموزشی این بازی داستان‌های سازنده از مثنوی یا شاهنامه، یا تاریخ انبیا و اهل بیت(ع) بود که با صلوات مکرر همراه می‌شد.»

حمایت از ایتام و نیازمندان

در پایان هر نوبت، ادامه بازی به گروه دیگری از محله دیگر واگذار می‌شد و قبل از آن یک نفر از آن گروه غزلی آرام می‌خواند. کاظمی با اشاره به اینکه آن ایام غزل‌خوان‌های مشهوری بودند که در این محافل حضور می‌یافتند و یکسی از جاذبه‌های اینگونه مجالس بودند، ادامه می‌دهد: «دستاخر آنانی که وسعی داشتند، مبلغی را به دخل قهوه‌چی می‌ریختند تا هم از این محفل بهره‌ای ببرد و چیزی نصیبش شود. همچنین گاهی برای ایتام و فقرا و بیوه‌زنان نیز مبالغی جمع‌آوری می‌شد.»

ترنابازی موجب صلهٔ رحم و دید و بازدید هم بود، چون از محلات مختلف در این شب‌ها دور هم جمع و از حال و روز یکدیگر باخبر می‌شدند. ترنابازی که تا چندی پیش در ایران رواج عمومی داشت، در فرهنگ و ادبیات فارسی به بازی «میر و وزیر» و «شاه و وزیر» هم شهرت دارد. ترنا به لنگ یا کرباس به‌هم پیچیده و تاب داده شده‌ای گفته می‌شد که با آن یکدیگر را می‌زدند.

دورهمی به صرف چای و قهوه

چهارمین نشست مرکز تهران‌شناسی همشهری با عنوان «قهوه‌خانه‌های تهران در گذر زمان» با حضور کارشناسان برگزار شد

گزارش: مژگان مهرابی، روزنامه‌نگار

موضوع چهارمین نشست مرکز تهران‌شناسی همشهری «قهوه‌خانه‌های تهران در گذر زمان» بود؛ حرفه‌ای که ریشه در تاریخ این سرزمین دارد. این شغل در گذشته از اوج و قرب بالایی برخوردار بود اما به مرور زمان و با تحولاتی که در فرهنگ و آداب زندگی ایرانی‌ها ایجاد شد، از مسیر اصلی خود فاصله زیادی گرفت. قهوه‌خانه در عهد صفویه تا اواخر قاجاریه جایی برای رفت‌وآمد رجال سیاسی، فرهیختگان و پهلوانان و عیاران شهر بود تا ساعتی دور هم جمع شده و درباره اخبار و حوادث روز با هم گفت‌وگو و گره از مشکل گرفتاری باز کنند، اما امروز قهوه‌خانه‌های شهر مان فرسنگ‌ها از اصل خود به دور افتاده است. در این نشست از دشیر آل‌عوض، محقق فرهنگ عامه و رضا خلیلی، فرزند مرحوم احمد خلیلی از نقاشان قهوه‌خانه‌ای به‌عنوان کارشناس و محمود منیعی، تهران‌پژوه، به‌عنوان مجری کارشناس حضور داشتند. مطالب این گزارش حاصل گفت‌وگوی چند ساعته چهارمین نشست تهران‌شناسی همشهری است.

ماجرای کشت قهوه و حضرت داوود؟

قبل از اینکه به شکل‌گیری ماهیت قهوه‌خانه‌ها پرداخته شود، بهتر است درباره تاریخچه مصرف قهوه در ایران اشاره شود؛ اینکه از کجا به ایران آمده و قدمتش به چه سالی برمی‌گردد. طبق تحقیقات انجام شده، پیشینه قهوه به زمان حضرت داوود(ع) برمی‌گردد؛ یعنی هزاران سال پیش. در آن عهد مردم یاد گرفته بودند جطور از برگ‌های سفید، نوشیدنی خوشمزه‌ای درست کنند.

قهوه چطور به ایران آمد؟

دانه‌های قهوه و تجارت آن نخستین بار در کشور بعض شناخته و کشت شد. بعد از آن به کشورهای دیگر ارسال شد و مورد استقبال مردم قرار گرفت. قهوه بعد از ورود به عربستان به‌عنوان جایگزین برای نوشیدنی‌های حرام قرار گرفت. اما اینکه کی به ایران آمد؟ به زمان شاه‌طهماسب برمی‌گردد از قرار معلوم کسانی که برای سفر حج راهی مکه می‌شدند قهوه را به ایران آوردند. قهوه در مدت زمان کمی جای خود را در ایران باز کرد و مورد توجه مردم قرار گرفت. تا جایی که در دربار شاه طهماسب فردی به‌عنوان قهوه‌چی مسئولیت دم کردن قهوه برای مهمانان و شاهان را داشت. مصرف قهوه موشی در عهد صفویه رواج پیدا کرد و در دوره قاجار به اوج رونق خود رسید.

قهوه‌خانه چگونه شکل گرفت؟

در جامعه سنتی ایران به‌ویژه پایتخت، هر نهادی که بنیاد می‌گرفت با نظام‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه ما همخوانی داشت. در واقع ۱۵۰ سال قبل، فرهنگ ایرانی به‌گونه‌ای بود که هر نهاد یا سازمانی با توجه به نیاز مردم ایجاد می‌شد. شکل‌گیری قهوه‌خانه هم به همین دلیل بود. پیش از آن گردهمایی‌ها در اندرونی خانه برگزار می‌شد و اصناف یا اقشار بیشمندان برای تبادل اطلاعات در اجتماع جمع می‌شدند. به مرور زمان به‌دلیل مشکلات پیش‌رو، مردم این نیاز را در خود دیدند که جایی برای دورهمی‌های شان ایجاد کنند، از این‌رو قهوه‌خانه‌ها شکل گرفت.

وقتی چای به ایران رسید

کشت چای در ایران، از سال ۱۲۷۹ شمسی آغاز شد. در این سال، یکی از رجال آن دوره به نام محمد میرزا کاشف‌السلطنه که به‌عنوان ژنرال کنسول ایران در هند مأمور به خدمت بود، توانست در بازگشت به ایران، چند بوته چای را با رخصت فراوان وارد ایران کند. چای در تنکابن کاشته شد و رشد فزاینده‌ای به خود گرفت. طعم خوش این نوشیدنی باعث شد مردم کم‌کم چای را به جای قهوه انتخاب کنند.

الگوگرفتن شهرهای دیگر از تهران

از عوامل مهم رونق قهوه‌خانه‌ها، تبادل اندیشه سیاسی بود. این مهم پای بسیاری از رجال سیاسی را به قهوه‌خانه‌ها باز کرده و محل تردد آنها محسوب می‌شد. اینگونه مردم از کم و کیف حوادث دور و برشان اطلاع پیدا می‌کردند. بعد از قزوین، شهرهای اصفهان و تبریز هم دست به کار شده و با ایجاد قهوه‌خانه از پایتخت الگو گرفتند.

همجواری زورخانه، قهوه‌خانه و حمام

در گذشته زورخانه، حمام، قهوه‌خانه و تکیه چهار نهادی بودند که با هم از تباطی نزدیک داشتند. این نهادهای چهارگانه از حرمت خاصی بین مردم به‌ویژه ورزشکاران و پهلوانان برخوردار بودند. کسانی که به قهوه‌خانه می‌رفتند از هر قشر که بودند زورخانه را محل پرورش تن و تقویت مراموالخلاق پهلوانی و قهوه‌خانه را محل ارتباط با دیگران می‌دانستند. یکی از قشاری که مرتب به قهوه‌خانه می‌آمدند ورزشکاران زورخانه بودند. ورزشکاران معمولا صبح زود ابتدا به حمام گذر می‌افتند و بعد راهی زورخانه می‌شدند. پس از ورزش هم به قهوه‌خانه می‌رفتند و با هم گپ می‌زدند و با گوش دادن به نقالی خستگی از تن به در می‌کردند. سپس سرکار می‌رفتند.

طومارهای نقالی گنجینه‌های نفیس

در عصر فعلی با زمان گذشته خیلی فرق می‌کند. در گذشته اداره امور قهوه‌خانه‌ها را افرادی برعهده داشتند که از طبقات ممتاز جامعه به شمار می‌آمدند. در عهد قدیم قهوه‌خانه‌ها مکانی برای تردد اندیشمندان، ادبا، شاعران و سخنوران بود؛ یعنی برای اینکه به علم و دانش خود عینیت ببخشند به آنجا می‌آمدند. با رونق قهوه‌خانه‌ها برای شاهزاده‌ها و تجار و پهلوانان هم به این مکان باز شد و کم‌کم تعزیه‌خوان‌ها هم با حضور در قهوه‌خانه‌ها به آن رونق دادند. شاهنامه‌خوانی یکی از برنامه‌های ثابت قهوه‌خانه‌ها به شمار می‌آمد و نقالان با مهارت زیاد داستان‌های شاهنامه را با آب و تاب و به زبان عامیانه تعریف می‌کردند و با حرکات تحسین‌برانگیز به نمایش درمی‌آوردند. گنجینه نفیسی به اسم طومارهای نقالی وجود دارد که در سال‌های ۱۳۲۵ و ۱۳۹۳ توسط فردی به نام دکتر ایناللو جمع‌آوری شده است. طومارهای نقالی، تفسیر عامیانه از شاهنامه در قهوه‌خانه بود.

دلخوری زنان و تعطیلی قهوه‌خانه‌ها

با رونق قهوه‌خانه‌ها روزبه‌روز بر تعداد مردانی که به قهوه‌خانه می‌رفتند افزوده می‌شد. حضور مردها برای ساعت‌های طولانی در این مکان مایه دلخوری زنان شده بود. تا اینکه یک روز وقتی ناصرالدین‌شاه از گذری عبور می‌کرد، جمعی از زنان جلوی درشکه او را گرفتند و لب به شکایت باز کردند که مردان به بیشتر وقت خود را در قهوه‌خانه می‌گذرانند و در اداره امور خانه تنبلی می‌کنند. از این‌رو خواستار تعطیلی قهوه‌خانه‌ها شدند. ناصرالدین‌شاه هم نامه‌ای به دولت نوشت و دستور تعطیلی قهوه‌خانه‌ها را داد.

قهوه‌چی؛ مهربان‌ترین کاسب شهر

علاوه بر تبادل اخبار و سرگرمی در قهوه‌خانه‌ها، یکی دیگر از کارکردهای مهم این پاتوق مردمی در عهد قدیم، این بود که به مکانی برای حل اختلافات تبدیل شده بود. قهوه‌چی، نقش ریش‌سفید را ایفا می‌کرد و اگر بین افراد خانواده یا فامیل یا حتی کسبه دلخوری وجود داشت یا با درمیانی بین‌شان صلح برقرار می‌کرد. این صفا و همدلی و مهربانی قهوه‌چی را در حدی بالا می‌برد که به او مهربان‌ترین کاسب شهر لقب داده بودند. گلبرزان هم از کارهایی بود که همیشه در قهوه‌خانه انجام می‌شد.

مدیریت قهوه‌خانه‌ها با چه کسانی بود؟

۱۰۰ سال قبل قهوه‌خانه‌های بسیاری در تهران فعال بود و سه گروه این قهوه‌خانه‌ها را اداره می‌کردند. نخست قهوه‌خانه فرهیختگان که مخصوص رجال سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بود. دوم قهوه‌خانه عیاران که پهلوانان آن را اداره می‌کردند و سوم، قهوه‌خانه‌هایی بود که چندان اعتباری نداشت و بیشتر افرادی که جایگاه مناسبی در جامعه نداشتند آن را مدیریت می‌کردند.

پای «توق» برای گره‌گشایی

هیچ می‌دانید واژه «پاتوق» از همین قهوه‌خانه‌ها نشات گرفته است؟ گویا در روزگار نه چندان دور در قهوه‌خانه‌های پهلوانان و عیاران، توق (وسیله تزیینی دسته‌های عزاداری محرم است که قدمت آن به عهد صفویه می‌رسد) قرار داشت که پهلوانان به‌خاطر حرمت آن توق بسه دورش می‌نشستند و همان جا درباره گره‌گشایی برای افراد نیازمند و آبرودار تصمیم می‌گرفتند و کم‌کم واژه پاتوق وارد فرهنگ مردم شد.

سرگرمی‌ها و بازی‌ها

در قهوه‌خانه‌ها بازی زیادی رایج بود که باعث شادابی و تفریح مردم می‌شد. گویا بودند افشاری که به روحضی و خیمه‌شب‌بازی اشراف داشتند و با اجرای برنامه باعث سرگرمی مردم می‌شدند. یکی از بازی‌های پرطرفدار قهوه‌خانه، شاه‌دزد و زنبور بسود که الان بسه آن نرنا بازی می‌گویند. در این بازی یک نفر به‌عنوان خکوه‌بنده حاضران را صدا می‌کرد تا در جایگاه مخصوص بنشینند. دعوت‌شدگان کف دست‌هایشان را به جلو می‌آورند تا خکوه‌بنده به بهانه‌ای از شخص دیگری که وظیفه تنبیه را برعهده دارد، بخواهد که با پارچه یا همان لنگ بلند گره‌خورده‌اش بر کف دست آنها بزند.

ساعت کار

اینطور نبود هر قهوه‌خانه‌ای هر ساعت که دلشان می‌خواهد در قهوه‌خانه را باز کند بلکه نظم و برنامه داشتند. در واقع برای قهوه‌خانه‌های شهر ساعت کاری تعریف شده بود. قهوه‌چی‌ها مجاز بودند از ۷ صبح تا ۱۰ شب به مردم خدمت‌رسانی کنند. اما بعضا پیش می‌آمد ساعت کاری قهوه‌خانه‌ای تغییر می‌کرد. این مهم شامل قهوه‌خانه‌های نزدیک گاراژ اتوبوس‌های بین‌شهری می‌شد که بایدبرای مسافران خسته تازه از راه رسیده امکانات رفاهی فراهم می‌کردند.

۱۵۰۰ قهوه‌خانه

در عهد ناصری در تهران پاتوق پایتخت‌نشینان بود. این آمار طبق پژوهش‌هایی است که در **سال ۱۳۳۹** در مرکز مطالعات اجتماعی دانشگاه تهران انجام شده است

۱۲ پُست در قهوه‌خانه

قهوه‌خانه‌ها به‌دلیل اهمیت کارکرد اجتماعی و سیاسی‌شان صنف مهمی محسوب می‌شدند. ۱۲ پُست در قهوه‌خانه درنظر گرفته شده بود تا خدمات‌رسانی به مشتریان بهتر انجام شود.

صاحب قهوه‌خانه: مسئولیت دریافت پول را داشت و با عنوان اوستا در راس مقام‌ها بود.

چای بده: مسئول اداره افرادی که چای در استکان می‌ریختند. به‌اصطلاح دستگاه‌دار بود.

بساط‌دار: کسی که پای سماور می‌نشست و چای دم می‌کرد.

وردست: به چای‌بده کمک می‌کرد.

بازاروز: برای کسبه بیرون چای می‌برد.

چای‌بر: چای لب‌سوز لب‌دوز را در کمترین مدت به‌دست مشتریان می‌رساند.

استکان جمع‌کن: کسی که بی‌فوت وقت باید استکان‌های کثیف را زیر میزها جمع می‌کرد.

استکان‌شوی: باید استکان‌ها را تمیز و با دقت می‌شست.

جارچی: فردی که با لحن خاصی نشانی مشتری را به چای‌بر اطلاع می‌داد. معلاد در دروازه، زیر هشتی، لن گوشه، ۲ تا چای و...

جارو کش: پایین‌ترین سمت را جارو کش‌ها داشتند که وظیفه‌شان تمیزکردن قهوه‌خانه بود.

خلیفه یا قلیان چاق‌کن: برای مشتری‌ها قلیان آماده می‌کردند.

دیزی‌پز: مسئول پخت آبگوشت بود و براساس تعداد ظرف‌های دیزی به فروش رفته مزد می‌گرفت.

داستان خواندنی قهوه‌خانه قنبر

آنطور که تهران‌پژوهان می‌گویند قنبر، غلام سیاهی در دربار ناصرالدین‌شاه بود که به‌عد از آزادشدن در خیابان ناصرخسرو قهوه‌خانه‌ای دایر کرد. در عهد ناصری سیاه‌ها قشری بودند که در خانه بزرگان و متمولان کار می‌کردند. با شکل‌گیری قهوه‌خانه قنبر، سیاه‌های زنگی به آنجا می‌رفتند، عده‌ای از سفید پوست‌ها برای تماشای آنها می‌رفتند و زنگی‌ها را مورد تمسخر قرار می‌دادند. قنبر برای اینکه ذهنیت مردم را عوض کند فکری کرد و عصرها از مداحان دعوت می‌کرد تا به قهوه‌خانه بیایند و داستان قنبر، غلام حضرت علی(ع) را تعریف می‌کردند. این کار کم‌کم روحیه و برخورد مردم با سیاه‌ها را تغییر داد و باعث شد بین‌شان احترامی ایجاد شود. در قهوه‌خانه قنبر بحث‌های سیاسی ممنوع بود و به جای آن خیمه‌شب‌بازی انجام می‌شد.

بابا مشکین و نواهای حسینی در قهوه‌خانه

قهوه‌خانه‌های دوران قدیم منشا اتفاقات بسیاری بود که سینه به سینه نقل می‌شود. شاید درباره حسین بابا مشکین که با نشستن در همین قهوه‌خانه‌ها توانست اثر ماندگاری جمع‌آوری کند کمتر شنیده باید. او کسی است که نوحه‌های قدیمی تهران را که در قهوه‌خانه‌ها خوانده می‌شد براساس ردیف‌های موسیقی نوشته است. حسین بابا مشکین اصالتا قزوینی بود ولی در تهران به دنیا آمد. او بنیانگذار تصنیف در ایران و رفیق عارف قزوینی بود. حاج حسین مشکین ابتدا نقال بود. بعدها با سبک و آهنگ موسیقی ایرانی، نوحه ساخت. همچنین مشکین مخترع سینه‌زنی یک دستی یا دستگاه موسیقی بود. مرحوم مشکین را به‌عنوان مردی قهوه‌خانه‌نشین می‌شناختند که از افطار تا سحر نغمه‌های ماه رمضان را می‌خواند. در آن زمان فضای ماه مهمانی خدا به جز شب‌های قدر بر از شور و شعف بود.

چرا قهوه‌خانه‌ها از رونق افتادند؟

پژوهشگران معتقدند که علت اصلی بی‌رونقی قهوه‌خانه‌ها و دورشدن آنها از اصل‌شان، بی‌توجهی ما به فرهنگ‌های بازرش نیشینیان است. البته ورود فرهنگ غربی به کشور هم در این بی‌رونقی بی‌تأثیر نیست. چرا که با روی کار آمدن گرامافون، رادیو و تلویزیون جاذبه‌های قهوه‌خانه مثل نقالی، روحوضی و دیگر سرگرمی‌ها روز به روز کمرنگ شد و دیگر خبلی‌ها کمتر به قهوه‌خانه می‌رفتند. البته در برهای از زمان قهوه‌چی‌ها، مغازه خود را مجهز به تلویزیون کرده بودند تا مشتریان خود را از دست ندهند. صاحب قهوه‌خانه برای نشان دادن سر بال بر طرفدار یک رمال بیشتر از مردم می‌گرفت. هنگام تماشای فیلم به همه تذکر می‌داد که ساکت باشند و اگر بچه‌ها شلوغ می‌کردند صاحب قهوه‌خانه تلویزیون را خاموش می‌کرد و هیچ‌کس هم حق اعتراض نداشت.

کافه‌هایی که جای قهوه‌خانه را گرفتند

مشتریان قهوه‌خانه‌ها مرد بودند و هیچ زنی حق حضور در آنجا را نداشتند. در سال‌های ۱۲۱۰تا۱۳۰۰ که کافه‌ها در تهران به‌وجود آمدند، شرایط کمی فرق کرد. خانوم‌هایی توانستند برای تفریح یا دور همی با دوستان به کافه‌ها بروند. این مکان‌ها بیشتر ویژه هنرمندان و اندیشمندان بود و کسانی که فراغت زیادی داشتند. اما به دلیل از تباط نگرفتن مردم با کافه‌ها آنطور که انتظار می‌رفت رونق نگرفت. چرا که فرهنگ غربی کافه‌نشینی با فرهنگ ایرانی‌ها جور نبود.

موشک، آیین‌نامه‌ها را سوزاند

برای اداره قهوه‌خانه‌ها آیین‌نامه خاصی تنظیم شده بود که هر کدام از قهوه‌چی‌ها موظف به اجرای آن بودند. این آیین‌نامه در اتحادیه قهوه‌خانه‌داران واقع در میدان پهلوی‌ستان نگهداری می‌شد. در سال‌های دفاع مقدس به‌دلیل موشک‌باران ساختمان اتحادیه از بین رفت و آنری از اسناد قهوه‌خانه‌ها باقی نماند. بعد از آن هم آیین‌نامه دیگری نوشته نشد.

انواع قهوه‌چی

قهوه‌چیان این گروه محل تجمع اصناف بود و در هر محله و کوچه و گذر یا بازار و بازارچه می‌توانستند این پاتوق را پیدا کنند. بیشتر حمام‌های عمومی معتبر شهرها نیز قهوه‌خانه یا آبدارخانه‌هایی داشتند که آن را یک قهوه‌چی اداره و از مشتریان با چای و قلیان و چیق پذیرایی می‌کرد.

خصوصی

در دوره صفوی در دربار پادشاهان کسانی به نام «قهوه‌چی» آبدارخانه دربار را می‌گردانند. در دوره ناصرالدین‌شاه نوشیدن قهوه و چای در دربار و خانه‌های بسیاری از رو حانیان، اعیان و رجال دربار، به‌اصطلاح امروز مد شد. آنها قهوه‌خانه‌هایی در دربار و خانه‌های خود برپا کرده بودند. در این آبدارخانه‌ها، قهوه‌چیان و قلیان‌چاق‌کنان ماهر با منصب‌های قهوه‌چی، غلام قهوه‌چی و قلیاندار و قهوه‌چی‌باشی با آبدارباشی به‌کار گرفته شده بودند.

موقت

قهوه‌چی‌های موقت کارشان با مناسبت‌های مختلف گره خورده بود. به‌عنوان مثال زمان عزاداری‌های ائمه (ع) به‌ویژه دهه اول محرم و صفر و مهمان‌های بزرگ مانند ولیعهد بازگشت از سفر حج یا عروسی و اجتماع‌های صنفی و سیاسی بساط این قهوه‌خانه‌ها برپا می‌شد که بیشتر در خانه‌ها، تکیه‌ها و مساجد دایر بود.

دوره‌گرد

قهوه‌چی دوره‌گرد با سیار بساطی ساده و جمع و جور داشت که محل کارش بازار، محل تجمع گروه خاص مانند کارگران و پیشه‌وران یا خیابان‌های پرتردد بود. این کاسب دوره‌گرد هر جا شلوغی جمعیت بود سر و کله‌اش پیدا می‌شد تا از راه فروش قهوه و چای زندگی خودش را اداره کند.

حاشیه‌های نشست چهارم

پیشینه‌های باارزش با چاشنی تشکر

چهارمین نشست تهران‌شناسی که تمام شد گفت‌وگو میان حاضران در نشست و کارشناسان کل انداخت و از هر دری حرف زدند. از نی‌اعتنایی ایرانی‌ها به پیشینه‌های باارزش تا تشکر و قدردانی ویژه از مسئولان مؤسسه همشهری که دغدغه معرفی هویت تهران را دارند. از دشیر آل‌عوض از دوران بسیار دور ایران گفت. «وقتی اجداد ما به ایران آمدند، ۳ سرمایه مهم همراه خود داشتند. یکی تکنیک‌های مهندسی و دیگری باغبانی و پیوندزنی گیاهان. پر واضح است ایران سرزمینی است که‌اب که روی گسل قرار دارد. نیاکان ما توانستند در این وسعت بیش از ۳۵ هزار قنات ایجاد کنند؛ قنات‌هایی که بی‌آنکه بدانیم یا ملیت کشورمان پیوند دارد یا خیر؟ در سال‌های نه چندان دور خانه خوب، ویژگی‌های خودش را داشت. خانه‌ای بود با ایوان و حوض و اتاق‌های تو در تو. مهمان‌خانه بزرگ و بزرگ‌تر. امروز با ورود فرهنگ غربی دیگر خانه‌ها مهمانخانه ندارد. اپارتمان‌ها چه بزرگ و چه کوچک دارای یک سالن پذیرایی است. در تهران هر کس با به مهمان‌خانه می‌گذاشت بوی عطر را به خوبی حس می‌کرد. حتی بعضی از صاحب‌خانه‌های خوش‌ذوق شعری را هم سروده و در مدح مهمان به دیوار نصب کرده بودند. گلدوزی‌ها با گل‌های فرش همخوانی داشت. غذا خوردنمان را خراب کردیم. آن موقع لقمه می‌گرفتند نان و پنیر و گردو سرشار از انرژی و خاصیت اما حالا فیتگر فود است. غذاهایی که به سلامت آسیب می‌زند لول‌ها مهر که می‌شد مادرم به ماچای داچین می‌داد می‌گفت بخور تا بچایی! اگر هر روز غروب پاییز یک استکان چای می‌خوردیم، زمستان سرمانمی‌خوردیم. با خیلی سطحی بود.»

امتیازهایی که به چشم‌مان نمی‌آیند

آل عوض با اثر تهران فراتر می‌گذارد و به صورت شهرهای دیگران ایران هم سرک می‌کشد و معتقد است امتیازهای منحصر به فردی داشتیم که به چشم‌مان نمی‌آید: هنر گذشته شهر کاشان ۱۴ هزار کارگاه محلی‌بافی داشت که حجم بالایی از پارچه محلی را به اروپا صادر می‌کرد. یا اینکه در زمان صفویه کشور ما دارای خیاط‌ها و طراح‌های لباس بوده و بهترین دوخت‌ها اتجام می‌شده است. پارچه زری‌بافت مصداق این گفته است. از تباط پارچه با طلا از رافط دستان هنرمند یک ایرانی می‌تواند خلق کند. متأسفانه ما پیوندها را خوب رعایت نکردیم. برای همین هر چیز که از دیگر سرزمین‌ها به ما داده می‌شود استفاده می‌کنیم

هنر تصویرگری چگونه در قهوه‌خانه‌ها جان گرفت؟

رازهای یک نقاشی

نقاشی قهوه‌خانه‌ای از جمله هنرهایی است که از بطن جامعه و توسط نقاشان مکتب‌ندیده‌ای به‌وجود آمد که هر کدام از آنها در حرفه‌های مختلف مثل کاشی‌سازی، گچبری و معماری فعالیت می‌کردند و برای نقاشی‌کشیدن پروش نیافته بودند. بناها، معماران یا حتی کارگران روزمزدی که برای پیدا کردن روزی در قهوه‌خانه به انتظار می‌نشستند، گاهی پیش می‌آمد روزها کسی پی‌شان نمی‌آمد و آنها برای سرگرم کردن خود نقاشی می‌کشیدند. بدون تکلف و در نهایت سادگی آنچه در ذهن داشتند روی دیوار ترسیم می‌کردند. بعد از مدتی آنچه در نقاشی ذوق به خرج می‌دادند کارشان گرفت و اینگونه شد که نقاشی قهوه‌خانه‌ای به‌وجود آمد.

مرشد محمد نقاش

مرشد محمد نقاش، مردی که اصلا نقاش نبود اما خدمت بزرگی به ترویج هنر نقاشی قهوه‌خانه‌ای کرد. او در بازارچه کلمباسعلی میدان شاپور مغازه داشت. برای رونق این هنر همه نقاش‌های قهوه‌خانه‌ای را جمع کرد و برایشان سفارش کار می‌گرفت. با تجمیع نقاشان قهوه‌خانه‌ای پای هنرمندانی چون حسین قوللر آغاسی و محمد مدبر به آنجا باز شد و شاگردان زیادی در این مکان پرورش یافتند. بعد از فوت مرشد محمد نقاش، مغازه‌اش تبدیل به فروشگاه لوازم‌التحریر شد.

صاحبان سبک

علی‌رضا قوللر آقاسی از هنرمندان دوره قاجار است. او کاشی‌پز بود و روی کاشی‌های خود نقاشی می‌کشید. نقاشی خط‌چوان رستم بر سر در اگ کریم‌خان زند در شیراز یکی از اثرهای به‌جا مانده از او است. حسین پسر او فوت و فن نقش‌اندازی روی کاشی و روغن‌کاری بر دیوار را از همان کودکی نزد پدر یاد گرفته و در کار گاه کاشی‌پزی پدرش کار می‌کرد. تا اینکه با محمد مدبر آشنا شد. مدبر دوست و همشاگردی او بود که حسین را در گردانندن کارگاه یاری می‌کرد و کنار دستش نقاشی روی کاشی را یاد گرفت.

رکن اول، بازگویی داستان‌های حماسی

نقاشی قهوه‌خانه‌ای ۳ رکن دارد. یکی از ارکان مهم آن نقاشی‌هایی که ریشه در ادبیات کهن دارد و برگرفته از حماسه‌های ایرانی است. البته فقط معطوف به اشعار شاهنامه نمی‌شود و ترسیم داستان‌های مثنوی معنوی و مثنوی گنجوی در آن به چشم می‌خورد.

رکن دوم، بیان روایت‌های مذهبی

رکن دیگر نقاشی قهوه‌خانه‌ای به موضوعات مذهبی و باورهای دینی مربوط می‌شود. آثاری که در این حوزه دیده می‌شود بیشتر واقعه عاشورا را به تصویر کشیده است. با توجه به اینکه روایات مذهبی بی‌شمار هستند، فقط در این زمینه نقاشی انجام شده که می‌توان گفت استادان فن خیلی به آن نپرداخته و ترسیم داستان‌های دینی جای کار دارد.

رکن سوم، ترسیم سنت‌های ایرانی

در نقاشی‌های یکی که به آداب و رسوم قدیمی ایران می‌پردازد، شب چله یا عید نوروز با نقش و نگار چشم‌نواز نقاشی شده است.

زشمی‌ها و زیبایی‌ها در نقاشی

اینکه نقاشی قهوه‌خانه‌ای به‌عنوان هنر محسوب می‌شود یا نه، باید گفت قطعا هست. در نقاشی‌هایی که باور دینی را روایت می‌کنند، نقاش سعی کرده زشتی‌ها را در مقابل زیبایی‌ها ترسیم کند. به‌طور مثال در نقاشی واقعه عاشورا، چهره شمر نازیبا کشیده شده و در مقابل ائمه اطهار(ع) سیمای زیبایی دارند. این کار به‌دلیل نشان‌دادن تقابل هاست. البته در بحث ترسیم شمایل ائمه معصومین(ع) مراجع دینی ایراد گرفته‌اند. اما در مورد نقاشی‌های حماسی این اتفاق افتاده و چهره رستم ترسیم شده است، مردی با هیبت و قامت خیلی بلند. شاید دور از ذهن باشد اما چون سمبل توانایی و قدرت اوست دیدنش برای مخاطب جذاب است. ویژگی دیگر نقاشی قهوه‌خانه‌ای جای خالی ابعاد در آن است. در این نوع نقاشی فقط بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی داریم؛ درست مثل کاریکاتور یا این تفاوت که نقاشی قهوه‌خانه‌ای جنبه ظرز ندارد و برعکس عمق احساس را نشان می‌دهد.

روایتگری رنگ‌ها

بر خلاف دیگر نقاشی‌هایی که بر در و دیوار شهر یا تابلوهامی‌بینیم، در نقاشی قهوه‌خانه‌ای اثری از رنگ خام نیست. رنگ‌هایی که به‌کار ر